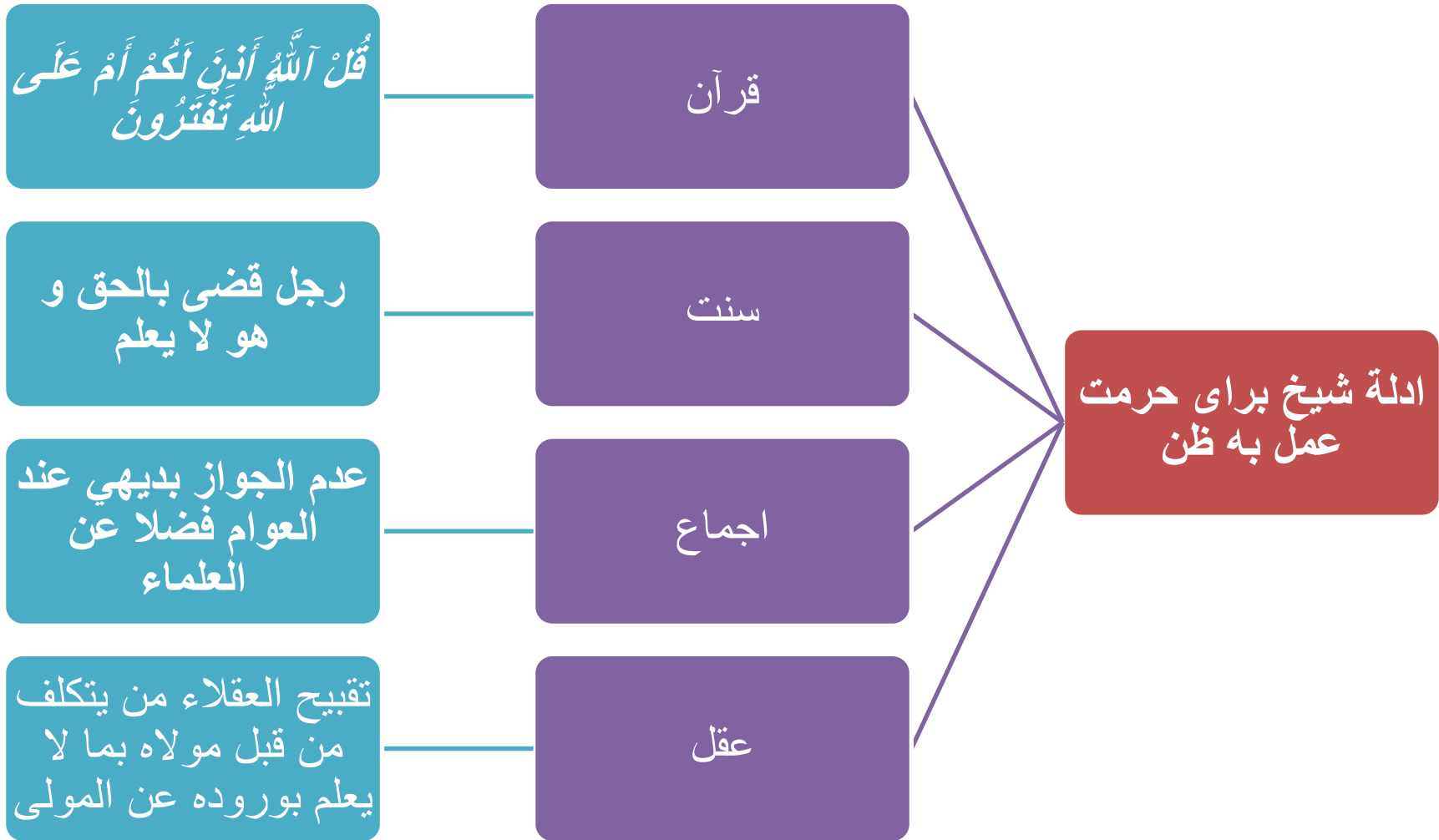


علم أصول الفقه

٣٠-٦-٩٢ حجية الظن في نفسه ٦

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

حجية الظن في نفسه



حجية الظن في نفسه

- در مواردی که می‌گوییم یک حکم، حکم عقل نظری است، در حقیقت عقل نظری به نحو بتی (یقینی) می‌گوید فلان چیز حکمش این است و اگر بخواهد خلافتش تحقق یابد اجتماع نقیضین لازم می‌آید.
- در مواردی هم که می‌گوییم فلان حکم، حکم عقل عملی است، در واقع عقل عملی به صورت قطعی قضاوت می‌کند که باید فلان عمل انجام شود.

حجية الظن في نفسه

- گویا مقصود شیخ - رضوان الله تعالى عليه - این است که اگر عبدی حکم مولا را به نحو یقینی احراز نکرد و نسبت به آن ظن داشت و در همان حال بگوید این حکم به یقین احراز شده است، عقلا او را تقبیح می کنند.

حجية الظن في نفسه

- اینکه کسی در حالی که به حکم ظن دارد، به همان حکم یقین داشته باشد، محال است؛ زیرا یعنی در حالی که احتمال می‌دهد حکم غیر از این باشد، احتمال نمی‌دهد که همان حکم غیر از این باشد.
- چنین چیزی جایز دانستن اجتماع نقیضین است. حال اگر مقصود از عقلی بودن در عبارت شیخ - رضوان الله تعالی علیه - این باشد، درست است.

حجية الظن في نفسه

• روح این استدلال به این برمی‌گردد که یقین از دید عقل نظری خصوصیتی دارد که وقتی عقل عملی با آن مواجه می‌شود می‌گوید پس یقین حجت است و باید بر طبق آن عمل کرد. آن خصوصیت این است که در حالت یقین واقع برای صاحب یقین به طور کامل منکشف است و او همه واقع را به صورت کامل می‌بیند و هیچ حالت منتظره، تردید و ابهامی ندارد در حالی که در ظن چنین خصوصیتی نیست. در ظن تمام واقع برای صاحب ظن کشف نشده است و حالت منتظره و احتمال خلاف هست. بنابراین عقل عملی حکم نمی‌کند که ظن فی حد نفسه حجت باشد.

• یعنی فاصله بین راوی و مروی - زیاد است و راویان این میانه معلوم نیستند،

حجیة الظن فی نفسه

این حرف درست است یا نه، جایگاهش بحث قضا است. اگر مقصود این باشد که قاضی باید به حکم شرعی و به تحقق موضوع این حکم در مورد قضا یقین داشته باشد و باید قضاوتش مطابق با واقع باشد، حرف درستی نیست؛ چون بسیاری از قضاوت‌ها به استناد بینه یا قسم صورت می‌گیرد که هیچ کدام دلیل یقین آور نیستند و روایت داریم از رسول اکرم - صلی الله علیه و اله و سلم - که می‌فرماید: من در بین شما بر اساس قسم‌ها و به بینه‌ها قضاوت می‌کنم. اگر من [بر اساس بینه و قسم] حکم کردم بخشی از مال برادر شما در اختیار شما گذاشتم، در حقیقت یک قطعه از آتش را در اختیار شما گذاشتم. (وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۳۲: کتاب القضاء، ابواب کیفه الحکم و احکام الدعوی، باب ۲، ح ۱). این روایت تصریح دارد که ممکن است حتی قضاوت رسول اکرم - صلی الله علیه و اله و سلم - مطابق با واقع نباشد. بنابراین برای اینکه محتوای روایت با سایر روایات سازگار شود، باید چنین معنا کنیم که قاضی وقتی می‌تواند حکم کند که احراز کند. حال آن احراز خواه ظنی حجت باشد و خواه یقینی.

تفاوت احکام در مقام‌های گوناگون امری است که در غیر از بحث فعلی ما نیز مصداق دارد؛ مثلاً در احراز موضوعات احکام، بسیاری از فقهای قائل‌اند که موضوع یا خبر واحد ثابت نمی‌شود اما حکم شرعی با آن ثابت می‌گردد؛ برای مثال، اکثر اصولی‌ها می‌گویند اگر یک نفر ثقه مثل زراره در مقام بیان حکم کلی الهی بگوید آب قلیل با ملاقات نجاست، متنجس می‌شود، این خبرش حجت است و حکم ثابت می‌شود. اما همین زراره اگر بگوید این آب قلیلی که در فلان کاسه هست، به ملاقات نجسی متنجس شده‌است، این قولش حجت نیست و نجاست ثابت نمی‌شود و برای اثبات باید دو نفر باشند. کدام یک از این دو حکم مهم‌تر است؟ اینکه یک مورد آب به ملاقات نجس، متنجس شده‌است یا اینکه به طور کلی حکم شرعی برای آب قلیل چنین است؟! ما معتقدیم خبر واحد در هر دو جا حجت است.

شیخ - رضوان الله تعالی علیه - در بحث اجماع تابع کتاب «کشف الغناء عن وجه الإجماع» تألیف تستری - رضوان الله تعالی علیه - است. ایشان که همشهری شیخ - رضوان الله تعالی علیه - هم است، واقعاً محقق بزرگی بود و همین کشف الغناء الوجه الاجماع کتابی است به حجم رسائل که فقط در موضوع اجماع نوشته شده‌است. او یک کتاب هم در فقه دارد به نام «مقابس الأنوار» که در باره بخش معاملات فقه است. شیخ - رضوان الله تعالی علیه - به کثرت در مکاسب از این کتاب نیز استفاده کرده‌است.

البته خود وی ذیل این دلیل می‌گوید این سخن به معنای نفی احتیاط نیست؛ زیرا در موارد احتیاط شخص از این باب که شاید مولا چنین حکمی داشته باشد، ملتزم می‌شود؛ یعنی این شاید را احراز یقینی تلقی نمی‌کند. به همین جهت ایشان در بحث احتیاط می‌فرمایند احتیاط مطلقاً حسن دارد. (فرائد الأصول، ج ۱، ص ۳۷۵). ما می‌گوییم احتیاط همیشه حسن نیست.

در این بند گویا استاد فرزانه اصطلاحات را با کمی تسامح بکار گرفته‌اند و حتی اصلاً این اصطلاحات با ابهام روبرو هستند مثلاً قضاوت عقلانی و حکم عقلانی ارتکاز عقلانی بنا عقلانی دقیق روشن نیست و با مباحث آینده هم دقیقاً سازگار نیست. یا ابتدا فرض کرده‌اید که یک حکم هم می‌تواند عقلانی و هم عقلی باشد بعد گفته‌اید مورد بحث شیخ عقلانی است بعد می‌گویید نه دیگر از آن فقط به عقلی تعبیر می‌کنیم و آیا واقعاً حکم عقلاً با قضاوت عقلاً یا هر دو با ارتکاز تفاوت دارند اعتبار عقلاً غیر از دیدگاه ذهنی ایشان است؟ اگر این‌ها تبیین شود متناسب با بیانات بعدی تان در همین دفتر این بخش اصلاح می‌گردد.

حجية الظن في نفسه

- ادلة قائلین به حجیت مطلق ظن
- در مقابل رأی شیخ - رضوان الله تعالى علیه - و اکثر اصولی ها، بعضی از ایشان قائل شدند که مطلق ظن حجت است.
- از جمله میرزای قمی - رضوان الله تعالى علیه - که به پیروی از این دیدگاه معروف است.*
- * قمی الجیلانی، میرزا ابوالقاسم بن محمد حسن، قوانین الأصول، ص ۴۴۰.

حجية الظن في نفسه

- شيخ - رضوان الله تعالى عليه - برای این دیدگاه چهار دلیل ذکر می‌کند:
- ۱- وجوب دفع ضرر مظنون
- ۲- قبح ترجیح مرجوح
- ۳- تبعیض در احتیاط
- ۴- انسداد.